شناسائى برخى از تفاسیر شیعه

مقاله 4، دوره 4، شماره 21، تابستان 1366، صفحه 45-68

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

اصل مقاله

[منهج الصادقین فى الزام المخالفین]

از تفاسیرارزشمند شیعى که به فارسى روان و سلیسى نگاشته شده و در میان علاقه مندان به قرآن رواج فراوانى دارد [ تفسیر منهج الصادقین] است .

تفسیر[ منهج] همانند[ روض الجنان] تفسیرى جامع است که در آن مولف ازابعاد مختلف فرهنگ اسلامى سخن رانده و در پرتو آیات الاهى حقایق گوناگونى را عرضه کرده است .

انگیزه نگارش :

مولف پس ازاشاره به جایگاه قرآن در شناخت اسلام و توجه دادن به علوم قرآنى و عظمت تفسیر قرآن با توجه به ضرورت آگاهى فارسى زبانان از تفسیر قرآن و کاستیها و

ناهنجاریها تفاسیر فارسى در نثر یا محتوى چنین مى گوید:

[بناء على هذا بخاطر فاتراین فقیر ضعیف جانى المفتقرالى غفران لطیف سبحانى ابن شکرالله فتح الله الشریف الکاشانى ... رسید که (تقریباالى الله تعالى و لمرضاته ) مطالعه و تفاسیر عربیه و فارسیه و کتب تواریخ واحادیث و غیر آن از کتب کلامیه واصول و فروع فقهیه کرده تفسیرى از آن انتخاب نماید که مبتنى باشد بر حل معانى قرآنى و]... 1 .

بنابراین مولف بزرگواراین تفسیر به انگیزه نگارش تفسیرى جامع با نثرى روان و شامل آثار واخباراهل البیت به نگارش این تفسیر دست یازیده والحق به آرمان و هدف خود نیز تا حدود زیادى نائل گشته است .

چگونگى تدوین :

مولف پیش از شروع به تفسیر ضمن ده فصل از مقدمات تفسیر و علوم قرآنى سخن مى گویدلا فصل اول در یاد کرد نامهاى قاریان . فصل دوم در ذکر نامهاى قرآن و معناى سوره و آیه . فصل سوم : در توضیح صحیح ترین قول دراعداد آیات قرآن . و فایده دانستن آن . فصل چهارم : تبیین معنى تفسیر و تاویل . فصل پنجم توضیح حدیث : (نزل القرآن على سبعه احرف کلها شاف کاف ). فصل ششم : در توضیح معناى تفسیر به راى . فصل هفتم : در مصونیت قرآن از تحریف . فصل هشتم :این که قرآن در زمان پیامبر مدون بوده است . فصل نهم : در بیان اعجاز قرآن و بالاخره فصل دهم : در یاد کرد روایاتى که در ترغیب بر خواندن و فرا گرفتن قرآن وارد شده است .

پس ازاین مقدمه سودمند مولف وارد تفسیر سوره ها مى شود و ابتداء به روشنگرى در مدنى یا مکى بودن سوره مى پردازد پس از آن ثواب قرائت را مى آورد پس از آن ترجمه آیات است بسیار دقیق و با احتیاط موافق قرائت ابوبکراز عاصم و گاهى با تکیه به قرائت حفص از عاصم و آنگاه مباحث نحوى و لغوى به اختصار واعتدال و بیشتر با تکیه به تفسیر بیضاوى و کشاف و پس از آن تحقیق در مفاهیم و مباحث آیات است ازابعاد مختلف .

نگاهى به ابعاد گوناگون[ منهج الصادقین]

تفسیر[ منهج الصادقین] تفسیرى جامع و مشتمل بر مباحث مختلف و مطالب متنوع است . مولف بزرگوار که شرح حال نگاران وى را به عنوان عالمى کامل متکلمى فقیه و مفسرى فاضل ستوده اند با آگاهى گسترده از ابعاد مختلف فرهنگ اسلامى تفسیرش راازاطلاعات ارزشمند و مباحث گوناگونى آکنده است . مرحوم مولف خود به ابعاد مختلف تفسیرش در مقدمه اشاره اى دارد:

به خاطر فاتراین فقیر ضعیف ... رسید که مطالعه تفاسیر عبریه و فارسیه و کتب تواریخ و احادیث و غیر آن از کتب کلامیه واصول و

فروع فقهیه کرده تفسیرى از آن انتخاب نماید که مبتنى باشد بر حل مبانى قرآن بر طبق قرائت سبعه که مسلم الثبوت و مجمع علیه جمیع موافق و مخالف است .

و متعرض قرائت دیگر نشود بجت تطرق اختلاف در آن و محتوى باشد بر ذکراسرار و نکات واسباب نزول و آیات واحادیث سیدالبریات علیه و آله افضل الصلوات واکمل التحیات واجبا و قصص و حکایات ائمه هدى علیهم والتسلیمات و فضل سور و آیات و وجه ارتباط واتصال آن به یکدیگر و بیان مسائل فقهیه در ضمن آیات احکام و مناقب اهل البیت[ع] منطوى بر رفع شبهات مخالفان وابطال مذاهب ایشان و در بیان اعراب و لغت بر طریق (خیرالاموراوسطها) سلوک نماید و بعضى از سخنان ارباب تحقیق را نیز بحیز تحریر در آورد2 .

و چنین نیز هست یعنى این تفسیر شامل تمام این مباحثى است که مولف آن به آنهااشاره کرده است برخى بتفصیل و برخى دیگر به ایجاز واختصار.

مرحوم علامه شعرانى که تفسیر را تصحیح کرده است درارتباط باابعاد مختلف تفسیر با اشاره اى به منابع مولف چنین نوشته اند:

غالب تفسیر بیضاوى را مندرج ساخته است و بسیارى از نکات تفسیر کشاف را نیز از تفسیر مجمع البیان بسیار نقل کرده است نه از شواهد و حجت ها و تحقیقات علمى آن بلکه از قصص و تواریخ موجود در [مجمع البیان] از تفاسیر نیز به تفسیر تبیان ابوالفتوح و گازر مراجعه کرده است و گاه سخنان عرفانى از بزرگان و مشاهیر متصوفه نقل نموده است . مانند شرح التعرف و قشیرى وابوعبدالرحمن سلمى وامثال ایشان ... مولف در نقل عبارات دیگران گاه از خود توضیحات و شروح و شواهدى افزوده است و دراینگونه موارد آن را نقل به معنى باید شمرد. چنانکه در بیان حکم متعه عبارتى از شرح لمعه آورده بسیار طولانى ترازاصل در تقریراصول دین و عقاید شیعه و مسائل مناسب آن چنان متین و مستحکم و صریح و معقول سخن مى راند که گوئى از مردم دو قرن پیشتراست مانند: فاضل مقداد و شهید ...

[لذا مى توان اقوال او را دراین مباحث حجت دانست] 3 .

[منهج الصادقین در گفتار عالمان:]

تفسیر[ منهج] بلحاظ سلاست روانى جامعیت از زمان نگارش آن مورد توجه عالمان بوده است . و در میان امت اسلامى از معروفترین تفاسیر شیعه به شمار مى رود. مرحوم آیه الله شهید مطهرى فرموده اند:

[منهج الصادقین این تفسیر به زبان فارسى است ... و تا سى چهل سال اخیر یگانه تفسیر فارسى متداول بود] 4 .

علامه پژوهشگر مرحوم میرزا عبدالله افندى

در چگونگى این تفسیر چنین نوشته است :

واز تالیفات اوست تفسیر[ منهج الصادقین فى الزام المخالفین] به زبان فارسى که تفسیرى مشهور و بزرگ است و به تصریح مولف بالغ بر 170 هزار سطر و شاید 180 هزار سطراست . مولف آن را در پنج مجلد قرار داده و دلایل و حجت گروههاى مختلف رااز قرآن آورده و نکات ادبى و غیر آن را معترض شده و مشتمل بر فوائد نیکو و سودمندى است . 5

[چاپهاى منهج الصادقین:]

منهج الصادقین براساس اطلاع ما تاکنون سه بار چاپ شده است که اینک به اجمال پیرامون آن توضیح مى دهیم :

1.این تفسیر ابتداء در تبریز به چاپ سنگى در سه جلد بزرگ چاپ و منتشر شد.

2. چاپ 10 جلد به تصحیح تحقیق تعلیق و مقدمه مرحوم آیه الله شعرانى .این چاپ همراه است با مقدمه اى مفصل و بسیار سودمند که در آن از: قرآن و تلاوت آن اختلاف در قرائت اختلاف مصاحف مدارک قراء تواتر قراآت سبع تحلیل و تبیین حدیث[ نزل القرآن على سبعه احرف] عدم تحریف قرآن انواع تفاسیر پاسخ به شبهه اخباریین در جلوگیرى از تفسیر قرآن اخبار آحاد در تفسیر اشاره اى به مجعول بودن تفسیر منسوب به امام حسن عسکرى[ ع] اسرائیلیات و تفسیر کیفیت وحى اعجاز قرآن و ... بحث کرده است این مقدمه از ژرفنگرى گزیده گوئى دقت و ظرافت ویژه اى برخورداراست . و باید چونان رساله گرانقدر در علوم قرآن تلقى گردد.

در مقدمه جلد دوم نیز از روش تفسیرى مولف و منابع وى در تفسیر جایگاه تفاسیر جدید و چگونگیهاى آنها تفسیر صدرالمتالهین و فیض کاشانى و آیات منسوخه و روایات اهل سنت در تفسیر قرآن سخن گفته است .افزون براینها سرتاسر تفسیر مشحون است به حواشى دقیق و ارزشمند فقهى اعتقادى تاریخى رالى و تفسیرى علامه شعرانى .این پانوشتها گاه در توضیح متن است و گاه در نقد و بررسى و رد برخى از اظهارنظرهاى مولف .

3. چاپ ده جلدى دیگرى به تصحیح آقاى على اکبر غفارى و مقدمه پاورقى حاج سیدابوالحسن مرتضوى .

مقدمه آقاى مرتضوى نیز طولانى و سودمنداست . وى در این مقدمه که 64 صفحه از جلداول را در بر مى گیرد ضمن فصولى از مباحث ذیل سخن گفته است :

مفهوم قرآن[ لغتا عرفا] عقیده مسلمانان درباره قرآن فرق بین انزال و تنزیل اسماء قرآن اعجاز قرآن از جهات مختلف معناى وحى و تحقیق در معانى متعدد آن منازل و مراحل ظهور قرآن ضبط و کتابت آن مصونیت قرآن از تحریف بیان تفسیر تاویل محکم و متشابه بالاخره شرح حال مولف .

پانوشتهاى آقاى مرتضوى نیز همانند متن

گونه گون است و شامل مباحث کلامى فقهى عقیدتى اخلاقى تاریخى و ...است .این پانوشتها گاه توضیح متن است و گاه نقد وانتقاد برخى از مطالب تاریخى و یا استنباطهاى تفسیر مولف .

[ خلاصه المنهج]:

این تفسیر گزینشى از تفسیر بزرگ وى[ منهج الصادقین] است . مولف پس از نگارش آن با توجه به گستردگى مباحث و وسعت آن با توجه به گستردگى مباحث و وسعت مطالب آن و با توجه به این که همه کسانى که در پى مطالعه تفسیر هستند توان و یا فرصت مراجعه به کتابهاى مفصل نموده و آن را[ خلاصه المنهج] نامید. مولف در مقدمه آن چنین نوشته است :

[ چون بتایید ربانى و توفیق سبحانى تفسیر[ منهج الصادقین فى الزام المخالفین] که محتوى بر پنج مجلداست و مرتقى بدویست و هشتاد هزار بیت بترتیبى کامل و تالیفى شامل سمت اختتام یافت و بنظر کیمیااثر بعضى ازاخوان دینى حفظهم الله عن جمیع الملاهى والمناهى رسیده عز قبول یافت . با توجه وسعت مطالب درابعاد مختف که مطالعه آن بر برخى ازاهل ایمان که بجهت شواغل و موانع روزگاراز تحصیل علوم و آداب محروم مانده بودند متعسر بلکه متعذر بود و نیز بواسطه کثره قصص واخبار بعضى از مطالعه آن کلال مى یافتند عنان توجه را به جانب انتخاب آن معطوف ساختن اختصار بر ترجمه قرآنى نموده و دراین ترجمه که مسمى بخلاصه المنهج بعداز مطالعه حذف واضمار و بیان تخصیص و تعمیم و حقیقت و مجاز اقوال مشهوره مفسرین در معانى قرآن که معتمد باشد در مذهب امامیه سمت تحریر خواهد یافت وازاسباب قصص و نزول انبیاا و فضل سوره و ثواب آیات بروجهى که منقول است به اساتید صحیحه بطریق [خیرالکلام ماقل] مذکور خواهد گشت]... 6 .

[خلاصه المنهج] از آثار تفسیرى ارزشمند و سودمند براى مطالعه و فهم قرآن است . گزیده گوئى اختصار و دقت در نظم مطالب در آن بروشنى پیداست.[ خلاصه] پیشتر دوبار در تهران و تبریز چاپ و منتشر شده بود. پس از دو چاپ حضرت آیه الله حسن زاده آملى به تصحیح و تحقیق آن پرداخته و در سه جلد چاپ و منتشر ساخته وى در مقامى درباره چگونگى کار تصحیح و تحقیق چنین فرموده اند:

[کاراساسى ما در ضمن این تفسیراین بود که مرحوم ملا فتح الله تفسیرش را مطابق روایت ابوبکراز عاصم تفسیر کرده و من چون دیدم که مرحوم ملا فتح الله قرآن را به قرائت ابوبکراز عاصم اعراب و تفسیر کرده است براى این که براى مردم مااشتباه پیش نیاید و خیال نکنند که این مطابق قرائت حفص از عاصم است موارداختلاف قرائت این دو بزرگوار را که شاگردان عاصم هستند همه را جمع آورى کرده ام]. 7

آقاى حسن زاده بجز تصحیح دقیق متن تفسیر موخره اى دارند پیرامون اختلاف قرائت ابوبکر و حفص راویان عاصم و خود دراین باره چنین فرموده اند:

[در تالیف رساله اى که در آخر آن (خلاصه المنهج ) دراختلاف قرائت ابوبکر و حفص راویان عاصم است هر چند رساله اى موجزاست . ولى در آن کار و دقت بسزا نموده ایم] 8 .

[خلاصه المنهج] براى کسانى که در پى آشنائى اجمالى با آیات قرآن هستند و حوصله و فرصتشان تفسیرهاى طولانى را بر نمى تابد اثر بسیار سودمند وارزشمنداست . مخصوصا با آنچه پیشتراشاره کردیم که این تفسیر در ترجمه آیات بسیار دقیق و محتاط است .

[زبده التفاسیر]

مولف پس از نگارش تفسیر [منهج الصادقین] و تلخیص آن نگارش تفسیرى بزرگ به زبان عربى پرداخت و آن را[ زبده التفاسیر] نامید. صاحب ریاض العلماء درباره این تفسیر مى گوید:

واز تالیفات اوست[ زبده التفاسیر] به زبان عربى که آن نیز تفسیر بزرگى است و بنا به تصریح مولف در آغاز آن پس از دو تفسیر یاد شده نگاشته است . من نسخه اى از آن را که بخط شریف مولف بود دیده ام و پایان تاغلیف آن نیمه ذیقعده سال نهصد و هفتاد و هفت هجرى مى باشد. دراین کتاب اخبار واحادیث اهل البیت[ ع] را ذیل آیات آورده و غالبااز[ تفسیر کشاف] [ تفسیر بیضاوى] [ تفسیر مجمع البیان] و جوامع الجامع طبرى نقل کرده است .این تفسیر مطالبى نیکو و فوائد بسیار دارد9

[زبده التفاسیر] هنوز بچاپ نرسیده است واینک عالم محقق جناب آقاى شیخ محمدعلى احمدیان اصفهانى مشغول تحقیق آن است که امیدواریم موفق به نشر آن بشوند. 10

[مولف منهج الصادقین]:

مفسر دانشمند متلکم فقیه عالم جلیل مرحوم ملا فتح الله کاشانى از عالمان بزرگ اواخر قرن دهم هجرت واز شاگردان على بن حسن زوارى که بواسطه اواز محقق کرکى روایت مى کند. وى در دانشهاى زمان خود داراى آگاهیهاى گسترده و در تفسیر زبردست و پراطلاع بود.

مرحوم میرزا عبدالله افندى درباره وى مى نویسد:

[فاضل نیک اندیش هوشیار عالم کامل جلیل متکلم و مفسر بزرگوار نام آور مولى فتح الله کاشانى از عالمان دولت شاه طهماسب صفوى واز شاگردان على بن حسن زواره اى است . وى تالیفات نیکوئى دارد بویژه در تفسیر. که در آن

توانمند و زبردست است و ثارى ارزشمند و سودمند نگاشته است] 11 .

مرحوم مدرس تبریزى وى رااینگون ستوده است :

[ ملا فتح الله کاشانى عالمى است جلیل فقیه محقق متکلم مدقق مفسر متبحر ازاکابر علماى اواخر قرن دهم هجرت ... در تمامى علوم دینیه متداوله متبحر خصوصا در تفسیر که بحرى بود بى پایان و تالیفات طریفه او بهترین معرف تبحر وى مى باشد] 12 .

متاسفانه از شرح حال و چگونگى تعلیم و تعلم و زندگانى علمى مرحوم ملا فتح الله کاشانى اطلاعى در دست نیست شرح حال نگاران به آنچه آوردیم بسنده کرده اند و تالیفات وى را که بسیار مشهور هستند شمرده اند. بهرحال آثار وى در موضوعات مختلف اسلام بویژه در تفسیر نشانگر وسعت اطلاعات و گستردگى دانش وى است رحمه الله علیه . 13

[تفسیر صافى]

این کتاب یکى از آثار پرارج تفسیرى است که بیشتر با جنبه روائى و نقلى نگاشته شده است . موغلف آن که در جامعیت و گستردگى دانش و تسلط برابعاد مختلف فرهنگ اسلامى از عالمان کم نظیراست در تفسیر خود سعى کرده است تفسیرى پیراسته از اندیشه هاى گوناگون عرضه کند.

مولف تفسیر را با مقدمه اى آغاز مى کند و ضمن آن از جریان تفسیرنگارى و زمینه هاى تفاسیر نوشته شده در فرهنگ اسلامى سخن مى گوید. پس از آن به انواع تفسیرنگارى اشاره اى دارد واعتراضى به تفسیرنگارى بدون توجه به اهل البیت[ ع] و تعالیم آن بزرگواران بالاخره از تفاسیرى سخن به میان مى آورد که بااخبار و روایات قرآن را تفسیر کرده اند. و یادآورى مى کند که اینگونه تفاسیر نیزاز کاستیها و ناهنجاریها بدور نیستند اینگونه تفاسیر یا کامل نیستند یا تفسیر تمام آیات را ندارند. برخى نیز سرشارندازاخبار ضعیف و در برخى دیگر روایاتى آمده بى ارتباط با موضوع بدون تدوین شایسته و ترتیبى زیبا.

افزون براینها دراینگونه تفاسیر روایاتى راه یافته است که مشتمل بر تاویلاتى است نفرت زاى و مطالبى باطل همانند نسبت عصیان و سفاهت به انبیاء و بالاخره دراین مجموعه ها گاه روایات به ظاهر متضادند و مفسران هیچگونه تلاشى براى رفع تضادازاین ظواهر بکار نبسته اند مرحوم فیض بعدازاین مطالب مى فرماید: به هر حال من تاکنون در میان تفاسیر با همه گستردگى تعداد آنها تفسیرى مهذب و پیراسته از ناهنجاریها با بیانى کافى که تشنه گان را سیراب کند نیافته ام وامیدوارم این تفسیر همانى باشد که انتظار مى رود. 14

مرحوم فیض پس ازاین مقدمه مقدمات دوازده گانه اى را براساس روایات نگاشته اند از تمسک به قرآن واین که دانش قرآن در نزداهلبیت[ ع] است تفسیر به راى جمع قرآن واین که قرآن بیانگر همه چیزاست و تبیین معناى آن و ... و در مقدمه دوازدهم روش نگارش تفسیر را بیان کرده است . و پس ازاین مقدمات تفسیر آغاز مى شود. 15

مولف براساس آنچه در مقدمه دوازدهم بیان داشته است آیات را براساس روایات تفسیر مى کند و گاه توضیحاتى در تبیین روایات مى آورد واگر در ذیل آیه اى به روایت معتبرى دست نیابد نکات توضیحى پیرامون آیات رااز مفسران سود مى جوید و در تفسیر سوره بقره بیشتر از تفسیر منسوب به امام حسن عسکرى[ ع] بهره گرفته است .

بهرحال تفسیر صافى از تفاسیر معتمد و سودمند و گرانقدر شیعى است علامه طباطبائى درباره مرحوم فیض و آثار وى از جمله تفسیر صافى فرموده اند:

[ این مرد جامع علوم است و بجامعیت او در عالم اسلام کمتر کسى را سراغ داریم و ملاحظه مى شود که در علوم مستقلا وارد شده و علوم را با هم خلط و مزج نکرده است . در تفسیر صافى واصفى و مصفى که روش تفسیر روائى داردابدا وارد مسائل فلسفى و عرفانى و شهودى نمى گردد دراخبار کسى که کتاب وافى او را مطالعه کند مى بیند یک اخبارى صرف است و گوئى اصلا فلسفه نخوانده است در کتاب هاى عرفانى و ذوقى نیز از همان روش تجاوز نمى کند واز موضوع خارج نمى شود] 16 .

مرحوم فیض تفسیر دیگرى دارد با عنوان[ اصفى] که گزینشى است از تفسیر صافى .

مولف در مقدمه آن مى گوید:

...«این تفسیر را از تفسیر دیگرم: «صافى» برگزیدم. و در نگارش آن گزیده گوئى را پیشه ساختم وآنرااز زواید پیراستم، در تفسیر آیات، به بیان آیاتى که نیازمند توضیح بودند، با توجه به کلام معصویمن، همت گماشتم، هر گاه از تفسیر قمى چیزى آوردم که منسوب به معصوم(ع) نیست در آغازش واژه «قمى» را نهادم، تا از روایات دیگر جدا شود؛ و اگر چیزى از طریق عامّه نقل کردم، آن را با کلمه (روى) از روایات دیگر متمایز ساختم و...»

تفسیراصفى دوبار به سالهاى 1274 و 1310 در حاشیه تفسیر صافى به چاپ رسیده است و پس از آن در یکجلد و مستقلا نشر یافته است واینک به همت برخى از فاضلان در مرکز تحقیقات و پژوهشهاى علمى واسلامى - دفتر تبلیغات تحقیق و تصحیح شده و منابع روایات آن استخراج گردیده که امیداست در آینده نزدیک منتشر شود[

بجزاین دو تفسیر مرحوم فیض تفسیرى دیگر دارد که گزینشى است از اصفى با عنوان[ مصفى]

چاپهاى تفسیر (صافى):

تفسیر به سال 1266 در تهران به قطع رحلى و با چاپ سنگى منتشر شد. و پس از بارها همان چاپ افست گشت . چاپ دیگر[ صافى] در چهار جلد است با قطع وزیرى به تصحیح مرحوم آیه الله شعرانى و تحقیق و تعلیق آقاى میرزا حسن حسینى لواسانى . محقق بجز مقدمه اى کوتاهى در شرح حال مولف در پانوشتها بااستفاده از[ مجمع البیان] و منابع لغوى وادبى و نیز[ وافى] برخى از آیات و روایات و کلمات را توضیح داده است . [صافى] چاپ دیگرى دارد در 5 جلد به قطع وزیرى با مقدمه اى در شرح حال مولف و پانوشتهائى از آقاى محمدحسین اعلمى که در بیروت چاپ شده است . لازم به یادآورى است که اکثر قریب به اتفاق پاروقیهاى این چاپ همان پاروقیهاى چاپ دوم است که بدون هیچ اشاره اى دراین چاپ آمده است !!

مولف[ صافى]:

پیرامون شرح حال وى پیشتر سخن گفته ایم . 17

الجواهرالمثمین

ازتفاسیر ارزشمند و قابل توجهى است که اخیرا به زیور طبع آراسته گردیده است . مولف آن که از محققان محدثان مفسران و فقیهان بزرگ شیعه است و به کثرت آثار وجودت تالیف مشهوراست . سه بار قرآن را تفسیر کرده است و هر کدام از آثارپ را به نام ویژه اى نامیده است . آنچه اینک از آن یاد مى کنیم و به اجمال پیرامون آن سخن مى گوئیم تفسیرى است با عنوان[ الجواهرالثمین فى تفسیرالکتاب المبین] . مرحوم شیخ آقا بزرگ فرموده اند:

[ الجواهرالثمین] تفسیرى است مزجى همانند[ تفاسیر صافى] و بدون مقدمات آن در دو جلد بزرگ که جلد دوم آن از سوره اسراء آغاز و من نسخه اى از آن را به خط مولف نزد نوه مولف دیدم . وى نگارش جلد دوم آن را به سال 19.ربیع الاول 1239 به پایان برده است. 18

[ شیوه تدوین] :

مولف ابتداءاز جایگاه نزول سوره سخن مى گوید و پس از آن با اشاره اى به شماره آیات سوره واختلاف موجود در آن قسمتى از سوره را انتخاب کرده اول آیات را ذکر مى کند و سپس به تفسیر آیات مى پردازد. در تفسیر آیات ابتداء ثواب قرائت است و بعداز آن تشریح و تبیین جمله ها و غالبا بااتکاء به روایات و برخى ازاقوال مفسران . در نقل اقوال مفسران توجهى شایسته است به اقوال تمام فسران شیعه و سنفى متقدم و متاخر گاهى با نقد و تحلیل و گاه صرفا با نقل واشاره مسائل عقیدتى بسیار خلاصه و فشرده مده است تا جائى که از محدوده توضیح آیات بیرون نرود. نقل قصص و تاریخ به تفصیل نیست و آنچه آمده غالبا بدون نقد و تحلیل است . باانتخابى شایسته . به قرائت هاى مختلف در آیات توجه شده و با توجیه معانى انتخاب شده غالبا به استدلال و

توجیه پرداخته است واین همه با نثرى روان روشن و رسا بیان شده است واین شیوه تفسیرى مولف است که پس ازاین به آن اشاره ئى خواهیم داشت .

دکتر سید محمد بحرالعلوم در ضمن مقدمه مفصل و سودمند خود براین تفسیر درباره آن نوشته اند:

[ در چهارچوب جریان تفسیرنگارى شیعى در روش تفسیرى پس از مجمع البیان این تفسیر را مى توان حلقه مفقوده اى دانست که در جمع بین جنبه هاى عقلانى در تفسیر و تلاش براى دست یافتن به روشى سهل و آسان در تعبیر و عرضه مطالب همت ورزیده است]. 19

در نگارش و تبیین مطالب توضیح روشن و رسا نثر روان واستوار محدود ساختن مطالب در محدوده روشنگرى پیرامون آیات و پرهیزاز [ اطناب ممل] و[ ایجاز مخل] دقت شایسته درانتخاب روایات و منقولات و ...از جمله ویژگیهاى برجسته این تفسیراست .این تفسیر تفسیر متوسط مولف است از تفسیر[ الوجیز] وى گسترده تر واز[ صفوه التفاسیر] کوچکتر و خلاصه تر.

[ الجواهرالثمین] در شش جلد با چاپى منقح و زیبا به بقطع وزیرى با تصحیح و تعلیق سید صباح شبر نوه مولف براساس نسخه اصل به خط مولف با برخى از توضیح بوسیله[ دارالزهراء] در بیروت چاپ و منتشر شده است .

آقاى دکتر سید محمد بحرالعلوم براین تفسیر مقدمه اى نوشتند مفصل و سودمند و در ضمن آن از تفسیر و مفسران شیعه میراث تفسیرى شیعه و گستردگى آن زندگانى مولف و آثار وى اشاره ئى به تفسیر[ الجواهر الثمین] و روش تفسیرى موغلف و ... سخن گفته است . محقق و ناشر با چاپ و نشراین اثر گرانقدر خدمت شایسته به فرهنگ اسلامى کردند. سعیشان مشکور باد.

[ الوجیز فى التفسیر] :

تفسیر مختصر و موجز مرحوم شبراست در صفحه عنوان نسخه مطبوع آن[ تفسیر القرآن الکریم] گذاشته اند این تفسیر در میان تفاسیر شیعه از جایگاه والائى برخورداراست . مولف در آغاز کتاب و پس از سپاس خداوند و درود بر پیامبر واهل البیت واشاره به موقعیت ائمه[ ع] در تفسیر قرآن درباره تفسیر خود نوشته اند:

[ این کلماتى است شریف و پژوهشهائى بلند و گفتار قانع کننده و اشاراتى کامل تمام متعلق به تبیین و توضیح برخى از مشکلات آیات قرآن و جمله هاى دوراز ذهن آن . ما در تبیین این حقایق غالبا به آنچه از گنجینه داران اسرار وحى در قرآن و کانهاى جواهر دانش و تاویل اهل البیت [ ع] که جبرئیل برخانه آنان نازل مى گشت مراجعه کرده ایم و توضیحات خود را پیرامون آیات بااشاره اى گذرا به لطیف ترین عبارت بیان کرده ایم]. 20

و براستى چنین است دراین تفسیر گرانمایه با همه اختصار و گزینشى که دارد به اقوال مفسران اشاراتى رفته است جملات آیات بروشنى تبیین شده است روایات ائمه[ ع] مورد توجه قرار گرفته و نکته هاى دقیق و لازم قرائت واختلاف قرآء آمده است بگونه اى شایسته در تفسیر آیات به آیات دیگر قرآن توجه شده و درصورت لزوم شان نزول آیات نیز مورد توجه قرار گرفته است .

دکتر حامد حضنى استاد دانشگاه[ عین شمس] قاهره در مقدمه ارزشمند خود براین تفسیر نوشته است :

این تفسیر درنهایت باریک بینى بین امت در عرضه معانى وایجاز در عبارات و تحریر مطالب جمع کرده است . ما همواره در محافل دانش از آشنایان به فن تفسیر مى شنیدیم که با شگفتى از تفسیر[ جلالین] یاد مى کردند و مى گفتند:این تفسیر براى متخصصان در تفسیر مفیداست و نه براى آغازگران دانش تفسیر. چرا که عبارات تفسیر جلالین همانند کلید واژه ها و مصطلحات علمى است که معانى بسیار بهمراه دارند که اگر به تفصیل پرداخته شود مجلداتى خواهد شد. و مااگراین حکم را درباره آن تفسیر بپذیریم درباره این تفسیر مى گوئیم : هم تفسیر بپذیریم درباره این تفسیر مى گوئیم : هم براى متخصصان است و هم براى مبتدئان . را که مولف از یک سوى در تمرکز معانى وایجاز در تعبیر و علاقه شدید به عرضه مصطلاحات تفسیرى سنگ تمام نهاده است واز سوى دیگر روشى سهل و زودیاب بین شیوه ساده نگارى و روش و تحلیل و تعلیل جمع کرده است و بگونه اى که آغازگران این دانش در مراجعه به آن به سختى نمى افتد.

ویژگى دیگر و منحصر به فرد آن توجه شایسته به وجوه منقول از عالمان پیشین در قرائت است بگونه اى که قرائت قریب به اتفاق الفاظ را براساس وجوه قراآت معروف نزد عالمان تجوید مشخص کرده است .از این روى تفسیر وى جامع قرائت حفص و دیگران است . بدینسان براساس آنچه من مى دانم نسفى نیز بااین که از مفسران است که به این جهت عنایت تام داشته است به پایه این مفسر بزرگوار نمى رسد . 21

بارى [ الوجیز فى التفسیر] معروف به[ تفسیر شبر]از آثار گرانقدر تفسیرى است که با زبده گزینى و گزیده گوئى سلاست تعبیر شیوائى نثر تبیین روش معانى آیات در میان تفاسیر از جایگاه والائى برخوردار است .

چاپهاى آن :

1.این تفسیر گرانمایه اولین بار به همت مرحوم سیدنصرالله تقوى به سال 1352 ه.ق تصحیح تعلیق و منتشر شد.این چاپ که در.1240 صفحه سامان یافته است داراى چاپى است پاکیزه بضمیمه یک شرح حال مختصر و شرح دیگرى مفصل از مولف و ترجمه آن .

مرحوم تقوى در مقدمه کوتاه خود دراهمیت تفسیر چنین نوشته اند:

[چون به این تفسیر برخوردم و مزایاى آن را با دیگر تفاسیر مقایسه کردم یافتم که با وجازت و سلاست عبارات متضمن دقائق و نکات بسیار و با کمال فصاحت واختصار مشتمل بر حقایق و معانى بى شماراست ... هنگام خلوت و فراغت از مشاغل دیگر غالبا به مطالعه آن مى پرداختم . حقیقابیش از سى دوره تفسیراز مفصل و مختصر که تا کنون عبور کرده و اکثر آنها را تمام و بدقت دیده و تعدادى را بمرورى اجمالى قناعت کرده ام . هیچکدام را واجداوصاف منظوره که دراین مجلد کم حجم دیدم نیافتم و با چنین سابقه اطلاع در فن تفسیراگر دعا کنم که تفسیر سید یکى از بهترین تفاسیرى است که فعلا در دست است گزاف نگفته ام و بموقع است شنوندگان از من بپذیرند و عقیده مرا حمل بر مبالغه نکنند].22

2. چاپى منقح با تصحیح براساس چاپ اول بااضافه پانوشتهائى در توضیح و ضبط صحیح لغات بهمت آقاى سیدمرتضى رضوى کشمیرى انجام شد و همین چاپ امروز متداول و مشهوراست . دراین چاپ قرآن کریم در متن قرار گرفته و تفسیر در حواشى آن . محقق منصف واندیشمند مصرى دکترحامدحضنى مقدمه اى نگاشته است و در ضمن آن از جایگاه این تفسیر در میان تفاسیر دیگر ویژگیهاى آن و مسائل دیگر سخن گفته .

افزون براینها مولف مقدمه مفصل و بسیار پرمایه مرحوم بلاغى برآلاءالرحمن را که پس ازاین درباره آن سخن خواهیم گفت در مقدمه این تفسیر آورده است و در پایان کشف الایات را قرار داده است .

[صفوة التفاسیر]

این سومین مفصل ترین تفسیر مولف محقق و بزگوار تفاسیر یاد شده است مرحوم سیدمحمد معصوم یکى از شاگردان مولف مى نویسد:

[صفوه التفاسیر کتابى است گرانقدر در تفسیر قرآن و بالغ بر/6000 سطر] 23 .

مرحوم شیخ آقا بزرگ نوشته اند:

[صفوه التفاسیراز تالیفات سیدعلى عبدالله ابن محمدرضا شبراست که حجم آن بالغ /62000 بیت است واین تفسیر غیراز تفسیرهاى دیگر وى با عنوان[ الجواهرالثمین] و[ الوجیز]است] 24 .

[صفوه التفاسیر] هنوز به چاپ نرسیده است .امیداست صاحب همتى از محققان به تصحیح و تحقیق آن دست یازیده به فرهنگ اسلامى و عاشقان قرآن و تفسیر خدمتى نماید.

[مولف الجواهرالثمین] :

سیدعبدالله فرزند محمدرضا علوى حسینى مشهور به شبراز محققان محدثان مفسران و متکلمان بزرگ پرکار و پراطلاع قرن سیزدهم هجرى است . وى به سال .1188 در نجف اشرف

از مادربزاد و همراه پدر بزرگوارش به کاظمین هجرت کرد و در مکتب پدرش و نیز عالمان و مجتهدان بزرگى همچون سیدمحسن اعرجى میرسیدعلى طباطبائى و ... تحصیل کرد و با ذهن وقار واندیشه تابناک واستعداد شگرفى که داشت به جایگاه بلندى در دانشهاى اسلامى دست یازدید واز محدثان فقیهان و مشایخ اجازه همانند مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء و ... به کسب اجازه نایل آمد.

مرحوم شیخ آقا بزرگ دراثر گرانقدرش[ الکرام البرره] پس از ستایش فراوان از مقام علمى و اجتهادى و پژوهشى وى نوشته اند:

[وى با حضور واستفاضه از محضر عالمان دراکثر دانشهاى اسلامى مانند فقه اصول حدیث تفسیر فلسفه کلام لغت ادبیات تاریخ و غیر آن به مرتبه اى بلند دست یازید و در تدریس فتوى قضاوت و نشر احکام و هدایت مردمان مرجعیت یافت ... وى از معدود کسانى است که بین کثرت آثار وجودت تالیف جمع نموده است] . 25

مرحوم مدرس تبریزى درباره وى نوشته اند:

[سیدعبدالله ... علوى حسینى موسوى معروف به[ شبر]ازاعیان و مجتهدین فقهاى امامیه و ثقات محدثین الثنى عشریه و عالمى است عامل عابد زاهد متقى داراى خصال حمیده واوصاف پسندیده تمامى علوم شرعیه را جامع . با آنهمه مواظبت و ممارستى که درانجام اطعات و عبادات دینیه از قبیل زیارت ائمه[ ع] و برادران دینى و نوافل و فتوى و قضاى حوائج مسلمین و ماننداینها داشته باز هم دراکثر علوم دینیه از فقه و حدیث و تفسیر و لغت واخلاق و کلام واصول فقه و غیر آنها تالیفات سودمند و طریفه بسیارى دارد] 26 .

مرحوم شبر در بهره مندى از عمر واستفاده ازاوقات موید بتاییدات الاهى بود.این همه آثار دقیق با نظمى زیبا و شگفت گزینش عالى و هوشمندانه ترتیبى نیکو واستوار و پرداختى ظریف و عالمانه براستى چیزى شبیه معجزه است .

[مرحوم محدث نورى از مرحوم شبر نقل مى کند که حضرت امام موسى بن جعفر[ ع] در خواب به من قلمى عطا کرد و فرمود بنویس من این توفیق 27نگارش رااز آن عنایت مى دانم و کثرت آثار من از توجه امام[ ع] است]

بهرحال مرحوم علامه شبر پس از سالهاى تحقیق تالیف تدریس افتاء و رسیدگى به مردم و ... در 54 سالگى به سال /1242 جهان را بدرود گفت . 28

[ المیزان فى تفسیرالقرآن]

قرن چهاردهم هجرى قرن روى آوردن امت مسلمان به قرآن درابعاد قرآن درابعاد گوناگون زندگى است .ازاین روى در جریان تفسیر نگارى قرن چهاردهم تحولى است عظیم که مصلحان و متفکران واحیاگران فکر دینى دراین قرن فریاد[ بازگشت به قرآن] را فراز آوردند. واز قرآن

بعنوان راهنماى حرکتهاى گونه گون و گره گشاى مشکلات مختلف سود جستند. چگونگى آغازاین حرکت معرفى طلایه داران و فریادگران این نهضت وارزیابى نقاط منفى و مثبت آن در فصحت این مقال نیست و فرصتى دیگر مى طلبد. فقط اینجا یادآورى مى کنیم که [ المیزان] در راستاى این تحول بسیار شایسته و گران ارج قرار دارد. مولف گرانقدراین دریاى موج خیز معارف الاهى از بلنداى جایگاه یک مفسر و محقق واسلام شناس بزرگ بااشراف به ابعاد مختلف فرهنگ اسلامى اثرى پدید آورده جامع و ناظر به تمامت آنچه در عرصه تفکر زمان مى گذشت . به دیگر سخن[ المیزان] ازاین تحولات سود جسته و در راستاى آثاراین قرن پدید آمده اما مولف آن چنان دیده بانى سترگ و هوشیار حرکتها را زیر ذره بین تحقیق و پژوهش نهاده اند و با بهره مندى از سلاح برنده و پرتوان قرآن اندیشه ها را تصحیح کرده اند جامعه را با قرآن بعنوان راهنماى بشریت به سعادت شایسته او آشنا کرده اند و منبعى عظیم براى جستجوگران حقایق و آبشخورى زلال براى تشنگان معارف الاهى عرضه فرموده اند. یکى از شاگردان علامه مى نویسند:

[ این تفسیر بقدرى جالب است و به اندازه اى زیبا و دلنشین است که مى توان بعنوان سند عقائداسلام و شیعه به دنیا معرفى کرد و به تمام مکتب ها و مذهب ها فرستاد و براین اساس آنان را به دین اسلام و مذهب تشیع فرا خواند...این تفسیر در نشان دادن نکات دقیق و حساس و جلوگیرى از مغالطه کلمات معاندین و نیز در جامعیت منحصر بفرد است و حقا مى توان گفت :از صدراسلام تاکنون چنین تفسیرى برشته تحریر در نیامده است] . 29

مرحوم آیه الله شهید مرتضى مطهرى فرموده اند:

کتاب تفسیرالمیزان ایشان یکى از بهترین تفاسیرى است که براى قرآن مجید نوشته شده است .البته قرآن مجید مقامى دارد که نمى شود هیچ تفسیرى را گفت وادعا کرد که حق قرآن راادا کرده است ولى مفسرین هر کدام از یک جنبه بالخصوص خدمتى به قرآن کرده اند من مى توانم ادعا کنم که این تفسیراز جنبه هاى خاصى که الان وقت آن نیست که برایتان عرض کنم بهترین تفسیرى است که در میان شیعه و سنى از صدراسلام به امروز نوشته شده است30 .

در جاى دیگرى استاد مى فرماید:[ این مطالب را من همه اش رااز علامه طباطبائى گرفته ام یعنى اصولا من بیشتر مطالبى را که در کتابها و نوشته ها خود دارم شاید ریشه هایشرااز علامه طباطبائى و خصوصا [ المیزان] گرفته ام لا علامه طباطبائى خیلى شخیصت عجیبى است .ایشان یک سبک بیان واسلوب خاصى دارند مطالب عالى عالیترین مسائل معارف را آن چنان به راحتى و در جملات کوتاه بیان مى فرمایند که

وصف ناشدنى است و حتى خودشان هم گاه توجه ندارند یعنى به نظر من ایشان مطالب را در یک حالت الهام مانند مى نویسند] 31 .

از مفسر دانشمند و متتبع سختکوش مرحوم شیخ محمدجواد مغنیه نعل شده است که فرموده اند:

[ از وقتى که المیزان بدست من رسیده است . کتابخانه من تعطیل شده و پیوسته[ در روى میز مطالعه من المیزان است]. 32

عظمت گستردگى ژرفائى صلابت استوارى مطالب[ المیزان] مورداتفاق همه کسانى است که با[ المیزان] وابعاد گوناگون آن آشنائى دارند و بدوراز پیشداوریها درباره آن قضاوت مى کند.

علامه در سامان دادن به این اثر گذشته از قرآن (که مهمترین منبع وى در تفسیرش مى باشد) به بیش از 180 منبع تفسیرى روائى لغوى تاریخى علمى اجتماعى فرهنگى و ... که برخى ازاین منابع داراى مجلدات متعددى است مراجعه کرده است . 33 و روشن است که پژوهشگرى چنان علامه بااین منابع چگونه برخورد مى کند وى در تمامت آنچه نقل کرده است از روایات اقوال و ... شیوه نقد و تحلیل را پیشه ساخته بویژه در روایات و مخصوصا در آثار مربوط به امتهاى گذشته و قصص قرآن - که پیشتر گفته ایم سرشاراست از جعلیات واسرائیلیات - [ المیزان] بهترین منبع شناخت سره از ناسره است .

[ روشن المیزان]

[ المیزان] در شیوه تفسیر نگارى احیاگر روش تفسیرى ائمه[ ع] است یعنى[ تفسیر قرآن به قرآن] . پیامبر[ ص] ائمه[ ع] در تفسیر قرآن این شیوه را معمول مى داشتند و صحابیان و تابعین نیز گاه ازاین روش سود مى جستند. 34 در جریان تفسیرنگارى در قرنهاى واپسین نیز این گونه تفسیرنگارى در قرنهاى واپسین نیز این گونه تفسیرنگارى گاه گاهى در میان مفسران رخ نموده است و برخى از مفسران این شیوه را صحیح ترین و سالم ترین روش تفسیر انگاشته اند 35 . در قرن چهاردهم که گفتیم نهضت تفسیرنگارى گسترده مى شود و تفسیر درابعاد مختل آن تحولى عظیم مى یابداین شیوه نیز در میان تفسیر نگارى بیش از پیش مورد توجه قرار مى گیرد 36 . بدینسان تفسیر[ المیزان] اولین گام دراین زمینه نیست . آنچه دراین باب به[ المیزان] عظمت ویژه اى بخشیده است بهره مندى گسترده آن ازاین شیوه است و حل بسیارى از مشکلات تفسیرى در پرتواین نگرش ژرف بگونه اى که برخى از عالمان این ژرفانگرى و ربط آیات به یکدیگر و عرضه مسائل گونه گون در سایه آن را نوعى الهام تلقى کرده اند:

در دفعه دیگرى عرض کردم : من که به مطالعه این تفسیر مشغول مى شوم در بعضى ازاوقات که آیات را بهم ربط مى دهید و زنجیروار آنها را با یکدیگر موازنه واز راه تطبیق معنى را بیرون مى کشید جز آن که بگویم در آن هنگام

قلم وحى والهام الاهى آن را بر دست شما جارى ساخته است تعبیر دیگرى ندارم.

مرحوم علامه شیوه تفسیر نگارى خود را تبیین کرده اند وى در مقدمه کوتاهى که بر تفسیر[ المیزان] نگاشته چنین مى نویسد:

روشى که ما در پیش گرفته ایم این است که قرآن را با قرآن تفسیرکنیم و آیه را با تدبر در نظیر آن روشن سازیم و مصادیق را به وسیله خواصى که خود آیات بدست مى دهند بشناسیم . خداوند به صراحت مى فرماید[ اناانزلنا علیک الکتاب تبیانا لکل شیى ء] چگونه مى شود پذرفت که قرآن بیان همه چیز باشد و بیانگر خویش نباشد...

آنچه از تتبع در روایات بدست مى آید - که برخى از آنها را پس ازاین در ضمن تفسیر آیات خواهیم آورد - نشانگراین است که : پیامبر که تعلیم یافته قرآن و معلم آن است واهل بیت پیامبر که به تصریح حدیث[ ثقلین] مقام معلمى و تفسیر قرآن را دارا هستند قرآن را بدین شیوه تفسیر مى کردند و کاوشگر نیرومند حتى یکى مورد نمى یابد که پیامبر و یا اهل البیت در تفسیر قرآن از نظریات عقلانى و یا علمى سودجسته ...باشند

على[ ع] مى فرماید: قرآن بگونه اى است که قسمتى از آن از قسمت دیگرى سخن مى گوید و برخى از آن گواه برخى دیگراست . بدینسان راه روشن و مستقیم و هموارى است که معلمان و راهنمایان قرآن پیموده اند. ما نیز تا آنجا که مى توانیم - به یارى خداوند این روش را دنبال خواهیم کرد و هرگز در تبیین تفسیر آیات به نظریات فلسفى و آراء علمى و مکاشفات عرفانى استناد نخواهیم کرد. 38

والحق علامه به شایستگى از عهده آنچه وعده داده بر آمده است و تفسیرى سامان داده است سرشاراز معارف الاهى و آکنده از حقایق قرآن و مملواز بحثهاى عقیدتى اجتماعى اقتصادى و سیاسى .

جایگاه سنت در[ المیزان ]:

چنانچه گفتیم نقطه اوج[ المیزان] شیوه تفسیر قرآن به قرآن است امااین ویژه گى هرگز مفسر بزرگ آن را از درنگریستن عالمانه و ژرفکاوانه به روایات و سنت معصومین بازنداشته است . بدینسان یکى دیگراز ویژگیهاى قابل توجه[ المیزان] اهتمام گسترده به نقل احادیث واخبار صحیح از پیامبر وائمه معصومین[ ع] است . در[ المیزان] پس از نقل آیات و توضیح لغوى وادبى و بیان مراد هر آیه با شیوه[ قرآن به قرآن] فصلى تحت عنوان[ بحث روائى] قرار دارد که در ضمن آن مفسر عالیقدر به نقل و نقد تیزنگرانه روایات در پرتو قرآن پرداخته است وازاین راه در پیراستن آثار روائى در تفسیر قرآن خدمت بزرگى کرده است .

برخى از کوته نظران که در حقیقت پاسداران شب و تاریکى هستند و هیچگونه تحولى در جریان فرهنگ اسلامى را بر نمى تابند و سوکمندانه گاه موضع گیرى هاى ناآگاهانه خود را بعنوان دفاع ازاسلام و قرآن واهل البیت جا مى زنند به شیوه[ قرآن به قرآن] علامه خورده گرفتند و مى گیرند که وى بااین روش به جایگاه روایات در تفسیر قرآن ضربه زده است .اما گر کسى از سر آگاهى براین بخش بنگرد در خواهد یافت که این بخش از[ المیزان] یکى ازارزشمندترین خدمات علامه درتفسیرنگارى است . متاسفانه تنگى مجال اجازه نمى دهد به نمونه هایى ازاین خدمات اشاره کنیم ازاین روى بیانات متفکر و مفسر پاک اندیش و یکى از برجسته ترین شاگردان علامه آیه الله جوادى را مى آوریم که از بهترین کسانى است که مى تواند دراین مورداظهارنظر کند:

[در پرتو تفسیر قرآن کریم سخنان اهل بیت[ ع] رااحیاء کرد یعنى آنچه را که رسول الله فرمود[ انى تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتى] علامه طباطبائى این عالم ربانى[ قدس سره] درحفظ و حراست این ثقلین دراحیاى آثاراین ثقلین در نشر معارف این ثقلین کوشید. در پرتو تفسیر قرآن کریم سخنان اهل بیت[ ع] را بعنوان بحث روائى مطرح کرد. آنچه را که معصومین[ ع] درباره قرآن کریم فرمودند نقل کرد تحلیل کرد تشریح کرد آنها را هم تبیین کرد آنها را هم درست عرضه کرد زیرا قرآن هرگزازاهل بیت جدا نخواهد شد واهل بیت هم هرگزاز قرآن جدا نخواهند شد بنابراین اگر کسى خوب به تفسیر[ المیزان] دقت کند قبل ازاین که به بحث روائى برسد خوب با دقت بررسى کند آیات را بر مفاهیم و معارف و معانى تفسیر شده مى یابد چه در بحث روائى مى بیند ائمه[ ع] بر همان روال تفسیر کرده اند یعنى این شاگرد قرآن و عترت قرآن را به روالى تفسیرکرده است که عترت فرموده اند و عترت فهمیده اند... علامه طباطبائى شاگرد ثقلین بود شاگرد قرآن و عترت بود آنها به هم آمیخته انداین بزرگوار هم از قرآن و هم از عترت مایه گرفت و بر آن مایه پایه اى فراهم ساخت و بر آن پایه مطالبى را منتشر کرد لذا سراسر تفسیر قرآن کریم سخنان ثقلین را زنده کرد است] . 39

[فلسفه والمیزان]

چگونگى ارتباط تفسیر[ المیزان] با فلسفه یکى از نکاتى است که لازم است بدان توجه شود. برخى[ قذفا بغیب] تفسیر علامه را تفسیر فلسفى تلقى کرده و گاه این اثر گرانقدر را بااین تلقى مورد بى مهرى قرار داده اند.اما مسلم حقیقت چنان که در بیان خود علامه دیدیم غیراز این است . دراین بخش نیز براى جلوگیرى ازاطالعه سخن به بیان مختصر و گویاى آیه الله جوادى بسنده مى کنیم :

بعدازاین که مسائل تفسیرى را تمام کرده بودند بحث تفسیر بپایان مى رسد. آنگاه یک بحث جدائى به نام بحث فلسفى یا بحث روائى

یا بحث اخلاقى یا بحث اجتماعى طرح مى کردند. طرح یک مساله فلسفى به دنبال یک آیه را به روش فلسفى حل کنند آیه را به روش قرآنى حل مى کردند منتهى مسائل عقلى را به عنوان تایید ذکر مى کردند مى گفتند: آنچه را که مسائل سنگین فلسفى براى این که ازاعتبار خاصى برخوردار بشود ! آن را نقل مى کردند مى فرمودند: آنچه در فلسه گفته شد همان را قرآن تایید مى کند. بحث فلسفى یا دیگر بحث ها را در لابلاى تفسیر ذکر نمى کردند. تا مرز فلسفه از تفسیر جدا شود. 40

حقیقت این است که تفسیر[ المیزان] تفسیر قرآن است تفسیرى با روش پیشوایان الاهى سیراب گشته از آبشخور قرآن مقایسه اجمالى[ المیزان] با تفاسیرى که با مشروب و مسلک فلسفى تفسیر شدند نشانگراین حقیقت خواهد بود که[ المیزان] تفسیر فلسفى نیست واصولا تفسیر قرآن بر اساس مسلکها و مشربها بگفته علامه ف طباطبائى تطبیق است و نه تفسیر. والمیزان نه تطبیق که تفسیراست تفسیرى راستین .

[ المیزان دراقالیم قبله]

روش والا کارآمد و سودمند[ المیزان] بحثهاى عمیق و ژرف آن بیان رسا و روشنگر آن و دیگر مزایاى این تفسیر بزرگ قرآنى باعث شد تااین کتاب پس از نشر مجلدات اولیه مجلدات اولیه آن مرزهاى کشورهاى اسلامى را در نوردد و به کتابخانه ها و آفاق فکرى و فرهنگى امت اسلامى راه یابد راهنمائى کند و آفاق جدیدى از مباحث قرآن را در پیشدید مسلمانان بگشاید. هنوز بیش از دو جلداز[ المیزان] منتشر نشده بود که یکى ازاساتید بزرگ مصر با مطالعه آن دو جلد چنین نوشت :

ما مقدمه این دو تفسیر و برخى از موضوعاتى که در آن مورد بررسى قرار گرفته است مطالعه کردیم و تصمیم داریم هر دو جزء را به دقت بخوانیم ولى در همان مقدارى که خوانده ایم توانائى علمى ژرفانى در بحث سهولت و آسانى در طرح مطالب و دورى از جانبدارى نسبت به مذهبى خاص کاملا مشهوداست . معظم له در تفسیر قرآن شیوه خاصى را به کار گرفته و قرآن را به وسیله قرآن تفسیر مى کنند واز بسیارى ازاقوال و آراء که اساس صحیحى ندارند و یا تاویل هائى که هدف از آن تفسیر قرآن نیست بلکه احیاى یک نظریه علمى یک اصل کلامى یک نظریه فلسفى یا فتواى مذهبى است اعراض کرده و پیرامون آنها بحث نمى کنند. 41

[ المیزان] درایران و بیروت بارها به چاپ رسیده و با گستردگى بى نظیرى در عالم مطبوعات انتشار یافته است ترجمه آن نیز بارهاى بار به چاپ رسیده است . کارهاى کلیدى شایسته اى نیز براى بهره مندى بیشتر از این تفسیر بزرگ سامان داده شده است که در مقاله اى دیگر و در ضمن آثار کلیدى به معرفى آنها خواهیم پرداخت .

خداوند بزرگ علامه عالیقدر مفسر بزرگ قرآن را در بیکران رحمت خود غرق فرماید که با[ المیزان] و دیگر آثار گرانمایه اش حرکتهاى شیطانى مهاجمان به عقاید و معارف الاهى را درهم شکست و دریائى موج خیزاز مباحث اسلامى را دراختیار پژوهشگران نهاد و بااخلاق و سلوک علمى اجتماعى عرفانى خود راهیان نور را به سرمنزل مقصود رهنمون گردید و با حریت و آزاداندیشى و قله سانى و مناعت طبع درسهاى شایسته اى به رهروان حقیقت عرضه کرد.

و آنچه تا بدینجا آمد نگاهى بود گذرا به برخى از آثار تفسیرى عالمان و محققان مکتب علوى و طلایه داران فرهنگ اسلامى و چنان که پیشتر نیز یادآورى کردیم این همه راستى و بدون هیچگونه اغراق قطره اى است از دریاى ناپیداکرانه و موج خیز تحقیقات پژوهشگران و آثار گرانمایه مفسران شیعى .

تنها اشاره اى گذرا به آثار تفسیرى و مجموعه هاى تحقیقى عالمان شیعى به قرآن بى گمان مجلدات عظیمى را پدید خواهد آورد. در همین دوره معاصر و قرن چهاردهم که آن را دوره تحول در تفسیرتگارى نامیدیم دهها تفسیر سودمند و گرانمایه اى بوجود آمده یا در حال نگارش و تحقیق که هر کدام از جهتى و دیدگاهى داراى ارزش و قابل توجه است . همانند [ تفسیر عاملى] ابراهیم عاملى [ کنزالعرفان در علوم قرآن] بانوى ایرانى (بانوامین اصفهانى)[ تفسیراثنى عشرى] ...حسین حسینى[ تفسیرنمونه] جمعى از نویسندگان [ الفرقان] محمد صادقى

بارى پرداختن به این همه فرصتى بس فراخ و مجالى بسیار گسترده مى طلبد واین است که باید گفت:[ این سخن بگذارد تا وقت دگر].

برخى ازتفاسیر ناتمام :

اینک شایسته است در پایان مقال از آثارى سخن به میان آوریم و نگاهى گذرا و تنها با یادى و نامى از مفسران و پژوهشگران دلباخته قرآن در قرن اخیر یاد کنیم که با عشقى در دل و شورى در سر به تلاش در بازشناسى و قرآن برخاستند و کار گرانمایه خود را آغاز کردند اماف قبل از رسیدن به فرجام کار زندگى را بدرود گفتند و خوانندگان آثار خود و عاشقان مکتب قرآن و آشنا شدن با ژرفناى کتاب الاهى به آن قلمها دل بسته بودند در حسرت فرو بردند.

[آلاءالرحمن]

قهرمان سترگ و خستگى ناپذیر میدان تحقیق و تتبع علامه شیخ جواد بلاغى مدافع سرسخت مرزهاى عقیده وایمان در حیات علمى و پژوهشى خود از جمله به نگارش تفسیرى دست

یازدید ژرف و پرمایه . [آلاءالرحمن] تفسیرى است موجز و پرماده با عبارتى روشن و مفهوم دریغا که ناتمام مانده است . آنچه تالیف یافته است دو بخش است در یک مجلد: بخش اول در 392 صفحه - شامل مقدمه تفسیر و تفسیر سوره [حمد] و[ بقره] و سوره[ آل عمران] بخش دوم در 149 صفحه شامل تفسیر سوره[ نساء] تا آیه 58 و آیه 6 از سوره مائده مقدمه آن در عین اختصار شامل مباحث سودمند و مسائل بسیاراست .از جمله بحث درباره مانند فنا ناپذیرى قرآن کریم واهمیتهاى گوناگون آن از نظر هدایت و تعلیم راه درست.

یکى از فاضلان سطرى چند در پایان کتاب[ آلاءالرحمن] نوشته که قسمتى از آن را مى آوریم :

[دریغا و دردا ما را و همه مسلمانان را که رشته این نوشته بزرگ واین تالیف گرانمایه بیش از پایان یافتن از هم گسست واین ریسمان محکم پاره شد. و فاجعه مرگ این استوانه دین و تکیه گاه مسلمانان فرا رسید و شیخ محمدجواد بلاغى درگذشت .او که مطالب علمى را چونان درهاى درخشان و مرواریدهاى غلطان در تفسیر آیات قرآن بیان مى داشت] . 43

[ تفسیرالقرآن الکریم]

تفسیرى است جامع از دیدگاههاى گونه گون که علامه شهید مرحوم آیه الله سیدمصطفى خمینى نگاشته است .این تفسیر با تفسیرسوره حمد آغاز مى شود و متاسفانه با شهادت جانگدار وى در آیه /46 سوره بقره متوقف مى ماند. مولف شهیداین تفسیر گرانقدر در تفسیر آیه ازابعاد مختلف ادبى بلاغى فقهى کلامى عرفانى فلسفى و ... سخن رانده و با مراجعه به منابع بسیارى بحثهاى مفصل ارزشمندى راارائه داده است . چند سال پیش ابتداء جلداول آن شامل تمام سوره حمد با حروفى ناهنجار اما تحقیقى شایسته استخراج منابع و عرضه اقوال بر مصدر منتشر شد. پس از آن در چهار جلد با حروف چینى و تجلید شایسته و زیبا اما بدون تحقیق شایسته انتشار یافت تحقیق متن استخراج منابع اقوال روایات تا بخشى از تفسیر سوره بقره ادامه مى یابد و پس از آن متوقف مى گردد.این چاپ نه تنهااز فهرستهاى فنى و لازم خالى است بلکه ضرورى ترین فهرست ها یعنى فهرست موضوعات را نیز ندارد. که امیداست در چاپهاى آینده این کاستیها جبران شود.

[ پرتوى از قرآن]:

تفسیر هوشمندانه بیدارگر و ژرف و گرانسنگ مفسر بزرگ قرآن ابوذر زمان مرحوم آیه الله طالقانى .این اثر که تفسیر جزء آخرین قرآن واز آغاز تفسیر سوره هاى حمد بقره آل عمران بخشى از سوره نساءاست از بهترین آثار نگاشته شده در تبیین معانى قرآن است . و بگفته برخى از صاحبنظران

[ از بسیارى از تفاسیر طرازاول قرآن خواندنى تر دلنشین تر و ذوق انگیزتر و دیده گشاتر و غفلت زداتراست] . 44

[تفسیر نوین]

این اثر جامع وارزشمند تفسیرى است پیرامون سوره هاى آخرین جزء قرآن و سرشاراست از مطالب سودمند و خواندنى . مولف گرانقدراین کتاب ضمن مراجعه به کهن ترین منابع تفسیرى و ...از پژوهشها و تحقیقات عالمان و محققان معاصر نیز غافل نمانده است . شیوه نگارش و تدوین تفسیر شیوه اى است (نوین ) که در آن عقل و نقل و ره آوردهاى دانش بشرى بهم مى آمیزند و در تفسیر و تبیین معانى الفاظ قرآن هر کدام به زیباترین وجه نقش خود راایفاء مى کنند. روزهاى نگارش این مقاله مفسر بزرگ قرآن رخت از جهان بربست و جهان علم و اندیشه و میدان داران دفاع از حریم تشیع را سوگمند ساخت اینک دریغ است که از آن بزرگمرد نستوه یادى نشود.استاد شریعتى از بیدارگران اقالیم قبله واز طلایه داران حرکتهاى اصلاحى واز بزرگترین و پرشورترین و خستگى ناپذیرترین فریادگران[ بازگشت به قرآن و نهج البلاغه] بوده است .استاد در دوران سیاه و خفقان زده شاهنشاهى استوار و شکوهمنداز مرزهاى معارف الاهى حراست کرد واز نفوذ توطئه هاى شیطانى جلو گرفت . نویسنده گرانقدر محمدرضا حکیمى از آشنایان نزدیک وى در شناساندن تلاشهاى فرهنگى و علمیش چنین نگاشتند:

چه بسیار شبهاى سرد و سیاهى که استاد در کوچه ها و پس کوچه هاى مشهد مى رفت تا به محفل جوانان برسد و سخنى از حق و قرن به گوش آنان برساند. و چه بسیار روزهاى گرمى که عرقریزان سخنرانیهاى آگاهى بخش و سازنده خویش را در دبیرستانها و دیگر جاهاادامه مى داد تا جوهر شعورى اسلام را به درک نسلها بدهد.از هنگامى که[ کانون نشر حقایق اسلامى] در مشهد تاسیس شد استاد محمدتقى شریعتى توانست یکى از مدرسه هاى اندیشه اسلامى را پى ریزد و بگستراند. کانون مرکزى شد براى نشر تنور فکرى مذهبى واداى رسالت اندیشه اى اسلام و شناساندن اسلام مقاوم .

کسى که از جریانهاى اجتماعى و فرهنگى آگاه باشد و آن روزگار و این روزگار را درک کرده باشد بخوبى مى فهمد که نقش سازنده این مجاهد اندیشمند واین سقراط خراسان در تربیت ایمانى جوانان و پرداخت عناصراین انقلاب عظیم اسلامى تا چه اندازه بوده است45 .

خداونداو را در بى کران رحمت خویش غرق فرماید که مشغل هدایت را به دوش کشید و نسل جوان را به دنیاى زیباى قرآن رهنمون گردید و باروار استوار و نستوه از مرزهاى عقیده و معارف اسلامى حراست کرد.

امیداست محققى هوشمنداز آشنایان به اندیشه تفکر واقدامات وى شرح زندگانى این اسوه زهد راستین تلاش پرشکوه وایمان مجسم را براى بهره مندى نسل انقلابى و هوشمنداسلامى عرضه کند.

مراجع

پاورقى ها

1. منهج الصادقین ج /04/1

2. مدرک پیشین .

3. منهج الصادقین ج 2.54.

4. خدمات متقابل ایران واسلام .461.

5. ریاض العلماء ج 4.318.

6. خلاصه المنهج ج 1.مقدمه .

7. کیهان فرهنگى سال اول شماره 5.13.

8. مدرک پیشین .14.

9. ریاض العلماء ج 4.319.

10. مجله تراثنا شماره 9.319.

11. ریاض العلماء ج 4.318.

12. ریحانه الادب ج 5.20.

13. براى آشنائى بیشتر با شرح حال مولف رک :

ریاض العلماء ج 4.318 روضات الجنات ج 5.345 ریحانه الادب ج 5.20 فوائدالرضویه ...

14. تفسیر صافى ج 1.14 - 10 مقدمه چاپ بیروت .

15. همان مدرک .1566.

16. مهرتابان .26.

مجله حوزه شماره 6.56 و شماره 7.20. 17

18. الذریعه ج 5.288.

19. الجواهرالثمین ج 1.41.

20. تفسیرالقرآن الکریم ج .38.

21.مدرک پیشین .مقدمه دکتر حامد حضنى و نیز نظرات فى الکتب الخالده

22. مدرک پیشین چاپ تهران .34.

23. مدرک پیشین .35.

24. الذریعه ج 15.48.

25. الکرام البرره ج 2.778.

26. ریحانه الادب ج 3.175.

27. مصابیح الانوار - مقدمه .(و).

28. براى آگاهى بیشتراز شرح حال وى رک : روضات الجنات ج 4.261 الکرام البرره ج 2.777 مقدمه هاى آثار وى مکارم الاثار .1164. ریحانه الادب ج 3.175 تنقیح المقال ج 2.212 معارف الرجال ج 9.2 فوائدالرضویه 249.سفینه البحار ج 2.137.

29. مهرتابان .43.

30. حق و باطل به ضمیمه احیاى تفکراسلامى .86.

31مهرتابان .44.

32. جلوه هاى معلمى استاد .174.

33. الطباطبائى و منهجه فى تفسیره .5994.

34. همان مدرک .125 التفسیر والمفسرون ج 1.41.

35. همان مدرک .126 اصول التفسیر .93.

36. نمونه را بنگرید به : التفسیرالقرآنى للقرآن و الفرقان فى تفسیرالقرآن بالکتاب والسنه .

37. مهرتابان .4445.

38. المیزان ج 1. مقدمه .

39.یادنامه فیلسوف الهى .4951 مصاحبه آیه الله جوادى با گزینش و تلخیص و نیز بنگرید به الطباطبائى و منهجه فى تفسیره الفصل الثانى الجانب الاثرى فى المیزان .

40. دومین یادنامه علامه طباطبائى .31.

41.یادنامه مفسر کبیر .70 قم انتشارات شفق دومین یادنامه علامه طباطبائى 285.

براى آشنائى گسترده باالمیزان نگاه کنید به کتاب سودمند الطباطبائى و منهه فى تفسیره المیزان .

42. بیدارگران اقالیم قبله .188.

43. همان مدرک .197.

44.براى آشنائى بیشتر با پرتوى از قرآن و چگونگیهاى آن رک : تفسیر و تفاسیر جدید135 - 149 یادنامه ابوذر زمان .108.

45.تفسیر آفتاب .218 و نیز بنگرید به تفسیر و تفاسیر جدید.4042 و 151161.